

۳۵۰۰ سال

تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی

www.ketab.ir

لیتوگرافی: نقره‌آبی / چاپ: اندیشه / صحافی: رئوف / شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ اول ۱۳۹۱ / قیمت: ۴۳۰۰۰ تومان / مترجم متن انگلیسی: دکتر منوچهر غیبی
طراحی گرافیک و جلد: کارگاه گرافیک مشکی / صفحه‌آرایی: بهار یونس‌زاده
ناظر چاپ: فرهاد ایمانی / شابک ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۳۷۴-۰

انتشارات هیرمند: میدان انقلاب، خیابان لیاقی‌نژاد، بین خیابان فخررازی و خیابان
www.hirmandpublication.com ۶۶۴۰۹۷۸۷ تلفن: ۲۰۴. پلاک ۱۲ فروردین

شهرکتاب بوستان: بوئنوک، مرکز تجاری بوستان، دور رینگ مرکزی.
www.ebookcity.ir ۴۴۱۰۸۳۴۵ تلفن:



سرنسائه: غیبی، مهر آسا
عنوان و نام پدیدآور: ۳۵۰۰۰ سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی / مولف
مهر آسا غیبی؛ مترجم متن انگلیسی منوچهر غیبی.
مشخصات نشر: تهران: هیرمند، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۴۷۲ ص.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۸-۲۷۴-۰
وسمیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: بخشهایی از کتاب به زبان انگلیسی میباشد.
عنوان گسترده: سی و پنج هزار سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی.
موضوع: زیورها -- ایران -- تاریخ
موضوع: زیورهای ایرانی -- تاریخ
شناسه افزوده: غیبی، منوچهر، مترجم
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۹غ۹الف / NK۷۳۰۱
رده بندی دیویی: ۷۳۹/۲۷۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۲۹۴۸۷

دبا ۲
۰۰

www.ketab.ir

فهرست

پیشگفتار	۱۳
مقدمه	
آرایه‌ها و زیورآلات ایران به مثابه‌ی نوعی پوشش	۱۷
بخش اول	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوره‌ی پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی	۲۵
بخش دوم	
فلزات و مشخصه‌های آن	۴۱
بخش سوم	
سنگ‌ها و مشخصه‌های آن	۵۷
بخش چهارم	
آرایه‌ها و زیورآلات تپه‌ی سیلک در دوران پیشاتاریخی و تاریخی	۵۱
بخش پنجم	
آرایه‌ها و زیورآلات تپه‌حصار دامغان و تورنگ‌تپه‌ی گرگان - تپه‌حسنلو، خورورین، تپه‌پری	۱۰۳
بخش ششم	
آرایه‌ها و زیورآلات شهر سوخته‌ی سیستان، ایلام، دولت‌شهر شوش، جوبجی رامهرمز	۱۱۳
بخش هفتم	
آرایه‌ها و زیورآلات تپه‌ی مارلیک و دیگر تپه‌ها و محوطه‌های باستانی جیرفت و شهداد	۱۳۹
بخش هشتم	
مفرغ‌های لرستان	۱۴۹

بخش نهم	
گنجینه‌ی زیویه و گنجینه‌ی جیحون یا آمودریا.....	۱۶۱
بخش دهم	
پیشگفتار تاریخی - مادها و آرایه‌های آنان.....	۱۷۳
بخش یازدهم	
مخامنه‌شیان و آرایه‌ها و زیورآلات آنان - آرایه‌ها و زیورآلات سلوکیان.....	۱۸۵
بخش دوازدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات اشکانیان.....	۲۰۳
بخش سیزدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات ساسانیان.....	۲۱۳
دوران اسلامی، پیشگفتار.....	۲۲۵
بخش چهاردهم	
آرایه‌ها و زیورآلات در اوایل دوران اسلامی در ایران.....	۲۳۱
بخش پانزدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات از دوران صفاریان تا ایلخانیان.....	۲۴۳
بخش شانزدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوره‌ی ایلخانیان.....	۲۶۷
بخش هفدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوران صفویان.....	۲۸۱
بخش هجدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوره‌ی افشاریه و زندیه.....	۳۰۷
بخش نوزدهم	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوره‌ی قاجاریه و ملزومات مرصع به جواهر بذرایی.....	۳۲۷
بخش بیستم	
آرایه‌ها و زیورآلات در دوران معاصر.....	۳۷۱
بخش بیست و یکم	
آرایه‌ها و زیورآلات چادر نشین‌ها، ایلاتی‌ها و روستاییان.....	۳۸۵
توضیح پاره‌ای واژه‌ها و عبارات.....	۴۳۱
منابع و مأخذ.....	۴۴۷
منابع لاتین.....	۴۵۵
سایت‌ها.....	۴۵۷
قدردانی.....	۴۵۹
نمایه.....	۴۶۳
ترجمه‌ی مقدمه‌ی کتاب به زبان انگلیسی.....	7

پیشگفتار

خانم مهرآسا غیبی پیش از این کتاب‌های پژوهشی هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی (تاریخ انتشار سال ۱۳۸۵) و کتاب کنکور مکاتبه‌ای گام به گام ادبیات فارسی (تاریخ انتشار ۱۳۷۴) را در کارنامه‌ی خود دارد. این بار کتابی را نوشته است با عنوان سی و پنج هزار سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی که پژوهشی است سترگ در بیست و یک بخش مفصل.

هنگامی که به یک قطعه‌ی زینتی ساخت انسان پارینه‌سنگی، مثل گردنبندی از تکه پاره‌های استخوان و سنگ و صدف می‌نگری، انگاری که با بخشی از شناسنامه‌ی انسانی از سی و پنج هزار سال پیش روبه‌رو هستی. اگرچه آن انسان قدیمی از لحاظ قد و قواره و آناتومی جمجمه‌اش شباهتی به تو نداشته، اما دل‌مشغولی همان انسان قدیمی هم آفرینش زیبایی بوده است. در زمان‌های بعد، مثلاً در دوران غارنشینی هم، هنگامی که دستش را به رنگ آغشته و نقش کف دستش را بر دیوار غار از خود به جای گذاشته، با این کارش به ما می‌گوید: این من هستم! و در دورانی که از غار بیرون آمده و در جلگه زندگی می‌کند، مثلاً هفت هزار سال پیش، با انسان تکامل‌یافته‌ای روبه‌رو هستی که همچنان زندگی‌اش با هنر، به‌ویژه هنر تزئینی، پیوستگی دارد. و برای شناخت بیشتر او با توجه به آناری که از خود به جای گذاشته که نمونه‌های گوناگونش به فراوانی در این کتاب آمده

است، مثلاً سفالینه‌ای در سیلک کاشان با نقش‌های تزیینی و شکل پرنده‌ای که بر آن نقش بسته است، بخشی از شناسنامه‌اش را درون آن ظرف سفالی برای ما به یادگار گذاشته. او در این شناسنامه خودش را این‌گونه معرفی می‌کند؛ به طبیعت مهر می‌ورزیده و احتمالاً از شنیدن آواز پرنده‌ای به وجد آمده و نقش آن پرنده را بر سفالینه‌اش به یادگار گذاشته.

سخن کوتاه، نویسنده در این کتاب پژوهشی سترگ در واقع از زبان انسان سی و پنج هزار سال پیش به ما می‌گوید: اگر می‌خواهی مرا بشناسی سر این خط را بگیر و بیا. اما نویسنده پژوهشگری است که این خط طولانی را در بیست و یک بخش متصل از آغاز پارینه‌سنگی میانه، پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی تا دوران معاصر با وسواس و دقت دنبال کرده است. خطی به درازای سی و پنج هزار سال تاریخ بشر که هزار و فرودهای بسیاری داشته است. تاریخ طولانی نظام‌های گوناگون از مادرشاهی گرفته تا نظام پدرشاهی از غارنشینی و شیوه‌های گوناگون شکار تا زندگی در جلگه و نظام کشاورزی و دامداری و عبور از نقاط عطف تکامل مثل کشف آتش که منجر به دوب فلزات شد و ساختن چرخ که مسیر تمدن را تا انقلاب صنعتی پیمود و سرانجام رسیدن به دوران معاصر که جلوه‌های مدرن از درک زیبایی و آفرینش هنر مدرن را در پی داشت همه‌ی این رویدادها در امتداد این خط طولانی تکامل در این کتاب پژوهشی بسیار پوش کافانه و محققانه دنبال شده است.

بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که هنر ایرانی بر تزیین استوار است که در این کتاب با دقت به همین مورد پرداخته شده است. آرتور پوپ اندیشه و هنر ایرانی را مربوط به ویژگی‌های جغرافیایی ایران می‌داند و معتقد است که جغرافیا تعیین‌کننده‌ی نوع اندیشه و هنر مردمان است؛ آرتور پوپ در این باره چنین مثال آورده است که دامنه‌های حاصلخیز و سرسبز زاگرس و البرز سبب پرورش گوسفندانی با پشم مرغوب شده است و از طرف دیگر به دلیل هوای خشک و شفاف ایران گل‌های رنگارنگ و زیبای این دامنه‌ها از فاصله‌ی دور دیدنی است. بنابراین همین نقش‌ونگار گل‌های زیبا در فرش ایرانی که معرف هنر معتبر ایرانی است، جلوه‌گر شده.

خانم ایران علا فیروز در کتاب زیورآلات نقره‌ی ترکمن (*Silver Ornaments of the Turkoman*) به این نکته اشاره می‌کند که اهمیت این زیورآلات در به‌کارگیری فلز گران‌بها یا سنگ‌های قیمتی نیست، زیرا این زیورآلات عموماً از نقره با به‌کارگیری نگین‌های عقیق و فیروزه هستند. اما اهمیت جدی این آثار در طراحی متحصربه‌فردشان است. به گفته‌ی ایشان درباره‌ی طراحی متحصربه‌فرد این آثار توجه به مسئله‌ی ریتم در هنر ترکمن است. ریتم در موسیقی دوتار ترکمن همانند

ریتم در شرابه‌های زیورآلات ترکمن است که مانند زنجیر ریزبافت به نگین‌های فیروزه یا عقیق منتهی می‌شوند.

این به‌درستی همان چیزی است که خانم مهرآسا غیبی در کتاب سی و پنج هزار سال تاریخ زیورآلات اقوام ایرانی با عنوان نماد فرهنگی اقوام ایرانی از آن یاد می‌کند. در جای جای این کتاب سترگ به موضوع الهام هنرمند ایرانی از طبیعت زیبای ایران اشاره شده است. یکی دیگر از ویژگی‌های هنر تزیینی و زیورآلات ایران جنبه‌ی توتّم و جادویی آن است که در این کتاب به آن پرداخته شده. به هر روستای ایرانی در این سرزمین پهناور سفر کنی معمولاً بر سردر خانه‌های روستایی هندسه‌ی زیبایی از اسفندانه‌های به نخ کشیده‌شده را می‌بینی که در انتهای آویزها با پارچه‌ها و منگوله‌های رنگین تزیین شده‌اند. این قطعه‌های جورواجور زیبا برای چشم زخم به کار می‌رود. همچنان که استفاده از عناصر تزیینی زیبا اغلب با به‌کارگیری سنگ خوشرنگ فیروزه، باز به همین منظور به عنوان نظر قربانی به کار می‌رود.

با تبریک به خانم مهرآسا غیبی که با نوشتن این کتاب پژوهشی راه را برای پژوهندگان آینده در این زمینه هموار ساخته است. با خبر شدیم که ایشان کتاب‌های پژوهشی دیگری هم در دست دارند. از جمله کتابی با عنوان ملزومات زندگی ایرانیان و کتابی با عنوان نقاشی ایران و جهان از رنسانس تا امروز و تألیف و ترجمه‌ای از نویسندگان جهان با عنوان ملزومات انسان. با امید پیشرفت‌های بیشتر برای ایشان در کار پژوهش.

پرویز کلاتری

شهریور ۱۳۹۱

مقدمه

آرایه‌ها و زیورآلات ایران به مثابه‌ی نوعی پوشش

این کتاب براساس رساله‌ای به‌عنوان یک کار تحقیقی در پایان دوره‌ی کارشناسی رشته‌ی طراحی صحنه‌ی تئاتر در دانشکده‌ی هنرهای تزیینی (دانشگاه هنر) به رشته‌ی تحریر درآمد. در آن دوران هنگامی که مطالعاتم را درباره‌ی جواهرات و زیورآلات آغاز کردم، نمی‌توانستم احساسی را که بعداً از مطالعه‌ی هر کتابی در من به وجود می‌آمد پیش‌بینی کنم؛ این احساس شاید یک نوع احساس غرور و افتخار ملی بود که بدون شک در اثر قدرت فکری و نبوغ هنری مردم ایران باستان و ایران بعد از اسلام در من ایجاد شده بود؛ و اکنون نیز که کتاب‌ها و منابع بیشتر و سامان‌یافته‌تری را مورد پژوهش قرار داده‌ام و یا عمیقاً به آثار باقی‌مانده در این زمینه در موزه‌های ایران و جهان نگریده‌ام چنین احساسی دارم و متقدم که باید قدردان ارزش هنرهای تزیینی ایران را در گذر زمان دانست و به جهاد معرفتی کرد، به‌ویژه هنر جواهرسازی و به‌طور کلی زیورسازی را؛ زیرا همان‌طور که بارها گفته‌ام هدف نهایی هنر، کمال مطلق است و انسان این هدف را به‌صور گوناگون از طریق تجربه‌ی احساس و انتقال آن، جهش تخیل و غیره مطرح می‌کند. اکنون بیشتر دانشمندان و هنرشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که علت پیدایش هنر این بود که بشر اولیه همواره به زینت دادن خود (برای زیباتر شدن) و اشیای اطراف زندگی‌اش تمایل داشته و به آن بسیار اهمیت می‌داده است؛ او با الهام از طبیعت یا فطرت، مظاهر هنر و تمدن خود را پایه‌گذاری کرد. مثلاً هنر موسیقی و رقص را با الهام از آواز و جهش پرندگان و منقار کوفتن آن‌ها و هنر زینت دادن گردن با گردنبند را از کبوترهای طوقی یا پرندگانی که از ابتدای خلقت بر گردن یا بدن آنان پرهای الوان به‌طور منظم قرار گرفته است، ابداع کرد. همان‌طور که فطرتاً هنر

نقاشی را با نقش هایی که روی سفالینه ها و یا دیوار غارها نقش می کرد، به وجود آورد یا هنرهای دیگر که با غریزه ی ذاتی انسان و با الهام از طبیعت به وجود آمدند. همواره پیوستگی هنر و زندگی در طول تاریخ انسان در نقاط مختلف جهان مطرح بوده است. این پیوستگی در ادوار مختلف زندگی بشر از اواخر دوران پارینه سنگی میانه تا کنون به صورت زیورآلاتی چون آویزها از جنس هماتیت^۱ و مهره ها از صدف گوش ماهی، دندان حیوانات یا سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی یا فلزات گوناگون به عنوان نماد فرهنگی - تمدنی یا طبقاتی عرضه شده است.

آگاه هستیم که بشر اولیه در طول زندگی خود آفرینش های هنری اش را با روش های گوناگون مانند به حلقه درآوردن برگ و گل و ساقه ی درختان و آویز کردن آن ها، نقاشی روی پوست (خالکوبی که مینا و پایه ی زیورآلات است)، نقاشی روی دیوار غارها یا ساختن مجسمه ها و صورتک ها (اساس ماسک های تئاتر امروز) به عنوان توتم^۲ و جادو نمایانده است. این مسئله به قول هربرت رید (Sir Herbert Read) در کم فرهنگ ترین اقوام وجود دارد. انسان دوره ی پارینه سنگی اندام خود را رنگ و خالکوبی می کرد یا می خراشید که این ها قدمت نوازم آرایش بشر را به اثبات می رساند. ولی افزون بر آن حتا در بدوی ترین فرهنگ ها زیورآلاتی از قبیل صدف های سرخ شده، سنگ و تکه های استخوان به رشته درآمده مورد استفاده ی انسان دوره ی پارینه سنگی در فلسطین و سوریه یا در غار زرزی (سلیمانیه عراق) و طبق آخرین پژوهش های باستان شناسی در نجد ایران بوده است. پروفیسور پوپ (Pope) می نویسد: آنچه بر ما معلوم شده است، در این دوره، هم سنگ و هم استخوان به طور شایع تری در ساختن زینت آلات به کار می رفته و بی شک انواع بیشتری از آن ها به طور فزاینده تولید می شده و تا دوره ی فلز ادامه داشته است.^۳

براساس مدارک به دست آمده در بیست سال اخیر، باستان شناسان به این نتیجه رسیده اند که نخستین آثاری که می توان نام زیورآلات بر آن نهاد، مربوط است به اواخر دوران پارینه سنگی قدیم (پژوهشگران به تازگی دوران پارینه سنگی را به چهار دوره ی پارینه سنگی قدیم، میانه و جدید و فراپارینه سنگی تقسیم کرده اند) و اوایل دوره ی پارینه سنگی میانه (دوره ی انتقال) در افریقا و لوانت (Levant: در فرانسه به معنای مشرق زمین، مشرق یا خاور) است اما استفاده ی گسترده تر از این نمادها به دوره ی پارینه سنگی جدید^۴ می رسد، همزمان با پیدایش انسان هوشمند؛ خلایقیت فرهنگی و تمدنی شکل گرفت؛ یعنی انسان متمدن شد. هرگاه یکی از ارکان و عناصر اساسی تمدن به قول ویل دورانت کوشش در راه معرفت و بسط هنر باشد این «انسان هوشمند» بود که از پنجاه هزار سال پیش در این راه کوشید. او در حقیقت اولین مدساز

ماقبل تاریخ به شمار می‌آید و نخستین علت پیدایش هنر نیز همان‌طور که گفته شد تمایلی است که اصولاً انسان به زیباتر کردن خود و اطراف زندگی‌اش دارد. هر دو جنس زن و مرد پیش از آنکه به فکر پوشاندن خود بیفتند در بند زینت خود بوده‌اند؛ جواهرات از کهن‌ترین عناصر مدنیت به شمار می‌رود و در مقبره‌هایی که از بیست هزار سال پیش به یادگار مانده گردنبندهایی از صدف و دندان حیوانات یافته‌اند؛ زیورآلات که ابتدا ساده و کم‌حجم بوده، رفته‌رفته بزرگ‌تر می‌شده و همیشه در زندگی نقش عظیمی داشته و یکی از نمادهای طبقاتی به شمار می‌آمده است؛ «زنان قبیله‌ی گالا از انگشترهایی استفاده می‌کردند که وزن هریک سه کیلوگرم بود و بعضی از زنان دینیکا با خود پنجاه کیلوگرم جواهر و اسباب زینت همراه داشتند؛ یکی از زنان ثروتمند افریقایی از انگشترهای ممین بزرگی استفاده می‌کرده که در آفتاب گرم می‌شد و به همین جهت ناچار شد کنیزی به خدمت آورد که بر او سایه افکند و در گرما او را باد بزند... زنان فقیر که جواهرات سبک‌وزن داشتند سعی می‌کردند در راه رفتن از کسانی که جواهرات سنگین‌وزن دارند تقلید کنند با بدین ترتیب آبرویی کسب نمایند»^۵

در آغاز چهارمین یا آخرین عصر یخبندان که تاریخی میان پنجاه تا بیست و پنج هزار سال پ.م. است انسان «نئاندرتال» (Neanderthal: محلی نزدیک دوسلدرف آلمان)، که مربوط به چهل هزار سال پ.م. است، پایه عرصه‌ی وجود نهاد. همچنین در بلژیک، فرانسه و اسپانیا حتا فلسطین امروزی استخوان‌های این نوع انسان دیده شده؛ جمجمه‌اش ۱۶۰۰ سانتی‌متر مکعب، یعنی ۲۰۰ سانتی‌متر مکعب از جمجمه‌ی انسان امروزی بیشتر بود و این نوع بشر طبق گزارش پژوهشگران و باستان‌شناسان در بیست هزار سال پ.م. منقرض شده و انسان دیگری به نام انسان «کرومانیون» (Cro-Magnon، غاری در دره‌ی دوردونی فرانسه) جانشین آن شده است که قدی به بلندی ۱/۷۸ و ۱/۹۳ متر داشته و ظرفیت جمجمه‌اش ۱۵۹۰ و ۱۷۱۵ سانتی‌متر مکعب بوده است.^۶ او نیز مانند انسان نئاندرتال انسان غار است؛ به هر تقدیر با توجه به آخرین مدارک به‌دست‌آمده در سه قاره‌ی آسیا و اروپا و آفریقا در بیست سال اخیر و شباهت‌هایی که در اشیای یافت‌شده از سیرری، لوانت، ترکیه و نیز در ایران وجود دارد می‌توان دانست که همزمان با پیدایش انسان هوشمند از چهل هزار تا بیست هزار سال پیش در اوراسیا (آسیا و اروپا) و نیز در ایران تمدن و فرهنگی متفاوت با دوره‌ی پارینه‌سنگی قدیم به وجود آمده است که بیشتر پژوهشگران آن را فرهنگ فراپارینه‌سنگی نام نهاده‌اند. بقایای نخستین اجتماعات آن اکنون در غار کمر بند و علی‌تپه در بهشهر موجود است. البته این غارها از هشت تا هفت هزار سال پیش متروکه ماندند، ولی می‌توان گفت تاریخ زیورآلات در ایران تا حدودی معین شد که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت.

پيوستگي هنر و زندگي در طول تاريخ انسان، به واقع در دوران نئوليتيك (Neolithic: نوسنگي) بيشتر به چشم مي خورد؛ ايران نيز از اين قاعده مستثني نبوده است. افزون بر اينكه هنر ايراني بر تزيين استوار است؛ به عبارتي ديگر، نمي توان تاريخ زندگي گونه هاي مختلف بشر را در ايران (و به طور كلي در جهان) از تاريخ زيورآلات جدا دانست، زيرا بشر از عناصر طبيعي چون برگ و گل و چوب و سنگ قدرتي جادويي به وجود آورده و در حقيقت به نوعي قدرت طبيعت را با زميني بخشيده و به حلقه درآوردن آنها از آن خود مي کرد و به قولي مي خريد. در آغاز دوره ي نوسنگي انسان هاي اوليه کوچ نشيني را ترک کردند و در يك مکان سکنی گزیدند و کشاورزی را آغاز کردند که خود یک انقلاب بزرگ در زندگی بشر به شمار می آید. زيرا از مرحله ي شکار به مرحله ي کشاورزی وارد شدند و کشف آتش و چرخ نيز در اين دوره از جمله کشفیاتي است که انسان را به مرحله ي صنعت سوق داد؛ زيرا با ذوب فلزات می توانست اشیای گوناگونی بسازد؛ همین عوامل سبب شد که در شکل و جنس زيورآلات نيز دگرگونی هایی پدید آید. از آثار کشف شده در ايران و افغانستان و به طور کلی آسیای میانه در اين دوره — یعنی دوره ي نئوليتيك (نوسنگي) می توان دریافت مردمانی که در این مناطق می زیسته اند دارای تمدن و فرهنگی والا بودند و فلزات و سنگ های قیمتی را می شناختند و مدارک باقی مانده نشان می دهد که مردمان بومی ایران زمین به فن استخراج معادن و جدا کردن آنها از ناخالصی ها آگاه بودند و در هنر تراش، سودن و سوراخ کردن سنگ ها تبحر داشتند.^۶ فلزاتی چون طلا، مس، آهن و مفرغ در اواخر این دوران یعنی چهار هزار سال پ.م. مورد استفاده ي انسان واقع شده است؛ به طور کلی می توان دریافت که قدمت فلزات نيز به قدمت پیشرفت فرهنگی و تمدنی بشر برمی گردد و اواخر دوره ي نوسنگي (نئوليتيك) دوره ي شکوفایی استفاده از فلزات گران بها به تنهایی یا توأم با سنگ در ساخت زيورآلات شخصی و نقطه ي عطفی به لحاظ ساخت زيورآلات میان دوران پارینه سنگي جديد و دوران پیش تاريخي و تاريخي است. آثار باقی مانده از این دوران از تهی سيلک کاسان، جیوفت کرمان و شهر سوخته در سیستان و مجسمه های مادر که به انواع زيورآلات زينت یافته اند در تهی سراب یا آثاری که در موزه های ايران و جهان موجود است، شاهد این مدعاست. زيرا فلات ايران طبق آخرين گزارشات باستان شناسختی در این دوران یکی از نخستين مناطقی بود که به فناوری ذوب و استخراج فلزات مجهز شد. همچنین در این دوران بود که بشر به کاربرد سنگ های مختلف در مراسم آیینی یا درمان روح و غيره پی برد؛ ايرانيان نيز در زمان های دور از سنگ های قیمتی به صور گوناگون گوشواره، گردنبند، دستبند، کمر بند و بازوبند و غيره استفاده

می‌کردند. زیرا اعتقاد داشتند که طیف‌های رنگی جواهرات عمیقاً در بدن تأثیر گذاشته و سبب تعادل روح و جسم می‌شوند؛ سنگ‌های ارزان‌تر چون لاجورد برای زینت دادن کلاه یا مهره‌های آبی (به اصطلاح عام نظر قربانی) برای جلوگیری از چشم‌زخم که از اعتقادات فرهنگی و دینی مردمان آن روزگاران بود، کاربرد فراوان داشت.

بنابراین می‌توان گفت یعنی فرض زیربنایی می‌تواند چنین باشد که مُد (پوشاک و سایر آرایه‌ها چون زیورآلات شخصی) ضمن اینکه تابع تسلط حکومت‌هاست، مبین ارزش‌ها، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و معنوی فرد نیز هست. به‌ویژه زیورآلات از جمله وسایلی بوده که نقش نمادین داشته است. این نقش در دوران پیش از اسلام به‌ویژه در دوران هخامنشیان بیشتر به چشم می‌خورد. البته روند استفاده از زیورآلات تا رواج اسلام ادامه داشته است.

در دوران اسلامی این روند به لحاظ دیدگاه مذهبی در درجه‌ی اول (چون اسلام دین برابری و برادری است) و در درجه‌ی دوم به دلیل وضع نابسامان اجتماعی و سیاسی و تا اندازه‌ای فرهنگی و اقتصادی تعدیل یافت؛ ولی پس از این رکود موقت، بار دیگر در دوران صفاریان و حکومت‌های بعد از آن زیورآلات طلا و نقره توأم با سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی رواج پیدا کرد. به‌ویژه در دوران صفویه که شاردن و تاورنیه و دیگر سیاحان در سفرنامه‌هایشان از گنجینه‌های جواهرات آن بسیار سخن رانده‌اند و پس از فتح هندوستان به دست نادرشاه افشار، غنایم بسیاری از این طریق به دست آمد که شامل گنجینه‌های بی‌شماری از جواهرات از جمله کوه نور و دریای نور و تعداد زیادی از سنگ‌های قیمتی و اشیاء و ابزار جنگی چون شمشیر و خنجر و سپر مرصع به جواهر بود؛ و همچنین تشکیل خزانه‌ی جواهرات ملی که شامل زیورآلات، جواهرات، و اشیای مزین به سنگ‌های بسیار قیمتی دوره‌ی افشاریه، قاجار و پهلوی می‌باشد که پشتوانه‌ی اسکناس و پول ملی ایران است، و نیز رواج زیورآلات در میان مردم عادی و ایلی‌ها و چادرنشینان اقوام مختلف ایرانی از دیرباز تاکنون، پی می‌بریم که این روند یعنی روند استفاده از زیورآلات تا امروز ادامه یافته، زیرا علاوه بر نماد موقعیت اجتماعی بیشتر جنبه‌ی اقتصادی پیدا کرده است. و من در بیست و یک بخش از آغاز پارینه‌سنگی جدید و فراپارینه‌سنگی تا دوران معاصر به شرح آن‌ها پرداخته‌ام. امروزه نیز در سال‌های پس از انقلاب اسلامی ایران جواهرسازان متبحر و مطرحی جواهرات ارزنده با طراحی بسیار زیبا می‌سازند که در نوع خود بی‌نظیر است.

یادآوری می‌کنم با وجود پژوهش‌های بسیار تا قبل از بیست سال پیش، دانش ما درباره‌ی تاریخ واقعی زیورآلات در ایران بسیار اندک بود و معمولاً دانش‌پژوهان

قدمت آنها را به سه تا دو هزار سال پ.م. نسبت می‌داده‌اند. ولی با کشفیات جدید قدمت آنها را می‌توان سی و پنج هزار سال تخمین زد که مستلزم تحقیقات وسیعی در این مورد بود که تا حدی توانستم با مطالعه‌ی آثار و مقالات علمی منتشرشده و بازدید از اشیای کشف‌شده در موزه‌ها و همکاری بسیاری از کارمندان محترم و دست‌اندرکاران موضوع تحقیق در این موزه‌ها در بخش‌های پارینه‌سنگی، پیش‌تاریخی، تاریخی و اسلامی در موزه‌ی ایران‌باستان و همچنین موزه‌ی رضاعباسی و دیگر موزه‌های ایران و جهان از آغاز پدیدار شدن انسان هوشمند در ایران تا امروز، به این مهم دست یابم.

مهرآسا غیبی - پاییز ۱۳۹۰

پی‌نوشت مقدمه: آرایه‌ها و زیورآلات ایران به مثابه‌ی نوعی پوشش

۱. همانیت گونه‌ای انحراف است که آن را انحرای قرمز گویند: انحرای یک نوع خاک رس (ocre به فرانسه) است که با آهن آمیخته شده و در نتیجه به رنگ زرد، نارنجی، قرمز و قهوه‌ای درمی‌آید و در جزایر جنوبی ایران (هرمز و غیره) یافت می‌شود.
۲. توتم: گیاه، حیوان یا هر چیز دیگری در طبیعت که برای اقوام بدوی مورد توجه و احترام بوده است و یا تصویری که از این اشیا برای نیاکان خود داشته‌اند؛ به فرانسه «Toteme» نامیده می‌شود.
۳. ر. ک. به ص ۲۸۵. کتاب سیری در هنر ایران، پوپ و اکرمین، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷
۴. فرهنگ یا صنعت ابزارسازی این دوره را که ساخت تیغه و ریزتیغه است «برادوستی» (Baradostian) و «دوره‌ی فراپارینه‌سنگی» (یک دوره‌ی کوتاه پس از پارینه‌سنگی) صنعت یا فرهنگ «زرزی» (Zarzian) نام نهاده‌اند و از ویژگی‌های فرهنگ زرزی ساخت ریزتیغه‌ی عمدتاً سنگ مادرهای هرمی شکل و ریزتیغه‌های کولدار و مهم‌تر از همه ابزارهای هندسی است. نقل از ص ۳۹ مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ شماره‌ی ۲۱، نوشته‌ی سونیا شیدرنک. باید اضافه کنم که فرهنگ‌های هزاران سال قبل از این که به نام فرهنگ و تمدن ماقبل‌سنگی، و مهم‌تر از همه فرهنگ آشولی (Acheulean) است و فرهنگ‌های بعد از آن، شامل و اساس بسیاری از صنایع بشری تا انقلاب صنعتی را در اروپا ریخته بودند. ر. ک. به صص ۱۱۴ تا ۱۱۷ ویل دورانت، پیشین
۵. نقل از ص ۱۰۴. تاریخ تمدن، ویل دورانت «شرق زمین گهواره‌ی تمدن»
۶. ص ۱۱۴، کتاب مشرق‌زمین گهواره‌ی تمدن، ویل دورانت، پیشین
۷. ر. ک. به مجله‌ی باستان‌شناسی و تاریخ، سال نهم، شماره‌ی دوم، ۱۳۷۴، مقاله‌ی آقای مهندس ریاضی